

منجی موعود در قرآن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای روح‌الله سعیدی فاضل^۱ و سید محمد مهدی موسوی^۲

چکیده

منجی موعود، یکی از مهم‌ترین مباحث عقیدتی در جوامع مذهبی می‌باشد. این عقیده که سرچشمه در کتب مذهبی پیروان ادیان دارد، باعث شده است که هر ایدئولوژی دینی، درباره منجی آخرالزمان، دیدگاه منحصر به فردی داشته باشد. ادیان الهی و غیر الهی معتقد به بازگشت منجی‌اند، اما در مصداق آن اختلاف نظر دارند. هر کدام از این مذاهب، در راستای ظهور منجی فعالیت‌هایی دارند؛ البته در برخی مذاهب این‌گونه فعالیت‌ها اندک و در برخی دیگر بسیار گسترده است. مذهب شیعه، به‌عنوان یکی از مذاهب بزرگ اسلام، گسترده‌ترین فعالیت‌ها را در حوزه منجی موعود دارد. در این مذهب، برای رسیدن به نقطه ظهور، باید فعالیت‌های گوناگونی را انجام داد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، تشکیل حکومت برای مدیریت اوضاع پیروان تشیع و زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی (عج) است. آیت‌الله خمینی، به‌عنوان یکی از رهبران بزرگ تشیع، در قرن بیستم میلادی اقدام به انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی نمود و پس از ایشان، آیت‌الله خامنه‌ای زمام امور این حکومت را بر عهده گرفتند. ایشان در زمینه منجی موعود، تفکرات جدیدی را به جامعه تزریق نمودند، مانند تفکر «تمدن نوین اسلامی و گام‌های پنج‌گانه برای رسیدن به آن تمدن». وی با استناد به آیات قرآن و روایات معصومین (ع)، نظریات خود را در قالب سخنرانی‌ها و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در عرصه بین‌المللی ابراز می‌نماید. این تحقیق با دنبال کردن نظریات آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه منجی موعود در قرآن، به بررسی سخنان ایشان می‌پردازد. از جمله تحقیق‌های مشابه در این زمینه، می‌توان به مقاله بررسی تطبیقی وجود منجی موعود در قرآن و عهدین اثر محمد هادی یدالله‌پور، مرتضی خرمی و سیده فاطمه حسینی، جامعه منتظر و بایسته‌های تمدن‌سازی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای اثر قنبرعلی صمدی و ویژگی‌های اجتماعی جامعه منتظر از منظر آیت‌الله خامنه‌ای مد ظله نوشته محسن قنبری نیک نام برد.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

۲. طلبه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.



کلیدواژه‌ها: منجی موعود، منجی موعود در قرآن، آیت‌الله خامنه‌ای، حضرت مهدی (عج).

مقدمه

اعتقاد به منجی‌گرایی در چهارچوب زندگی افراد نقش بسزایی دارد و حتی می‌توان آن را به‌عنوان قلب تپنده زندگی اشخاص که همان امید به آینده است، دانست. بر همین مبنا است که از دیرباز، قدرت‌های بزرگ جهانی با ادعای ایجاد صلح، امنیت و عدالت جهانی روی کار آمدند؛ اما با گذشت زمان مشخص گردید این ادعاها، تنها شعاری برای تکیه دادن به اریکه قدرت بوده است.

منجی موعود، یکی از مهم‌ترین مباحث محافل دینی، علمی و اجتماعی مردمان آخرالزمان نیز می‌باشد. منجی‌گرایی یا اعتقاد به نجات بشر از ظلم و ستم توسط شخصی خاص با ویژگی‌های منحصر به فرد در عقاید مؤمنان به ادیان الهی و اکثر ادیان غیرالهی به وفور مشاهده می‌شود. گونه‌های مختلفی از منجی آخرالزمان در ادیان ذکر شده که برخی قوم‌گرا و برخی جهان‌شمول‌اند. به همین دلیل ایدئولوژیکی است که در طول تاریخ، عقایدی که نقش منجی‌گرایی در آن بسیار پررنگ بود، اقدام به ایجاد حکومت برای زمینه‌سازی ظهور موعود نمودند. در حال حاضر، مردم ایران که با هدف مقدمه‌سازی ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، با رهبری آیت‌الله خمینی اقدام به تشکیل حکومت اسلامی کردند، در تلاش‌اند با ادامه دادن این مسیر توسط مقام معظم رهبری به آن هدف والا دست پیدا کنند.

بناست در این مقاله، ذیل بررسی کلمه منجی در لغت و اصطلاح و آیات مرتبط با منجی عالم بشریت، به ذکر سخنان و نظرات آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه منجی آخرالزمان پرداخته شده و مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

مفهوم‌شناسی منجی

قبل از ورود به مبحث منجی موعود، لازم است که لفظ منجی در لغت و اصطلاح مورد نقد و بررسی قرار بگیرد. واژه نجات که ریشه کلمه منجی است، در لغت به معنای رها شدن و خلاصی یافتن است (ابن‌منظور، ۲۰۰۰، ج. ۱۵، ص. ۲۰۰-۳۰۴). همچنین نجات در اصطلاح، یعنی رهایی انسان از هر چیزی که مانع زندگی سالم و ایده‌آل می‌شود؛ مثل رهایی از آلودگی‌ها و پلیدی‌ها، رهایی از ستم و خشونت، رهایی از زندان، رهایی از غرق شدن در دریا، نجات از بیماری و رهایی از اندوهی که روان انسان را مغلوب خود کرده است. براساس این تعریف، چندان غیرمنتظره نخواهد بود که انسان‌ها در مراحل یا درگرفتاری‌هایی خاص که قادر به حل مشکل خود نیستند، مرگ دریا بند (شاکری زواردهی، ۱۳۹۱، ص. ۳۱).

منجی که کلمه‌ای عربی است، در لغت به معنای نجات‌دهنده و در اصطلاح به معنای ظهور فردی در آخرالزمان می‌باشد که بشریت را از چنگال مستکبران و ظالمان نجات خواهد داد (فراهیدی، ۱۴۰۸، ج. ۶، ص. ۱۸۶).

منجی در کتب عهدین

همان‌گونه که در مقدمه مقاله ذکر گردید، ادیان الهی قبل از اسلام در رابطه با مبحث منجی موعود، چهارچوب عقایدی نسبتاً مشترک با هم دارند. در این قسمت، بخش اندکی از آنان اجمالاً مرور خواهیم کرد.

الف) تورات

در تورات، سفر پیدایش، بند ۱۰ و ۴۲ آمده است که: «عصای قدرت و سلطنت یهود دور نخواهد شد و نه فرمانروایی از میان پاهای دی تا شیلو بیاید و او را اطاعت امت‌ها خواهد بود». (شیلو کسی است که دارای حق است و صلح و سلامتی می‌آورد) (قاموس کتاب مقدس، ماده پسر، ص. ۲۱۸).
در کتاب حزقیال نبی، در مورد منجی آخرالزمان و سرنوشت اسرائیل و جهانی شدن آیین توحید خبرهایی آمده است:

«... و اما تو ای پسر انسان، خداوند یهوه چنین می‌فرماید: که به هر جنس مرغان و به همه حیوانات صحرا بگو: جمع شوید و بیایید... خداوند یهوه می‌گوید: که بر سفره من از اسبان و سواران و جباران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد و من جلال خود را در میان امت‌ها قرار خواهم داد و امت‌ها دآوری مرا که آن را اجرا خواهم داشت و دست مرا که بر ایشان فرود خواهم آورد، مشاهده خواهند نمود...» (حزقیال نبی، باب ۳۹، بند ۱۷، ص. ۱۲۶۵).

ب) کتاب دانیال نبی

در کتاب دانیال نبی می‌خوانیم که پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قوم‌ها و امت‌ها و همه، او را به خدمت نمایند (دانیال نبی، باب ۷، بند ۱۴).
همچنین در این کتاب آمده است:

«و ملکوت و سلطنت و حشمت مملکتی که زیر تمامی آسمان‌هاست، به قوم مقدسان حضرت اعلی داده خواهد شد که ملکوت او ملکوت جاودانی است و جمیع ممالک او را عبادت و اطاعت خواهند نمود» (دانیال نبی، باب ۷، بند ۲۷).

ج) انجیل

بشارت‌های بسیاری درباره موعود آخرالزمان نیز در کتاب‌های مقدس آیین مسیحیت آمده است. موعود آخرالزمان، بیشتر در انجیل با عنوان «پسر انسان» ذکر شده است که این تعبیر بیش از ۱۱ بار در انجیل و ملحقات آن تکرار شده که فقط ۳۱ مورد آن با حضرت عیسی قابل تطبیق است و ۵۱ مورد دیگر آن، از نجات‌دهنده‌ای سخن می‌گوید که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و عیسی نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد. به‌عنوان مثال، در انجیل متی، نویدهایی مبنی بر ظهور منجی آخرالزمان آمده است، از آن جمله: «پس اگر شما را گویند اینک در صحرا است، بیرون مروید، یا آنکه در خلوت است، باور مکنید؛ زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین



خواهد شد. آنگاه علامت پسر انسان در آسمان ظاهر گردد و در آن وقت، جمیع طوایف زمین سینه‌زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می‌آید» (انجیل متی، باب ۲۴، بندهای ۲۶، ۲۷ و ۴۰).

یا باز در همین کتاب، باب ۲۵، بندهای ۳۱ و ۳۲ می‌خوانیم:

«اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آنگاه بر کرسی جلال خویش خواهد نشست و جمیع امت‌ها در حضور او جمع شوند و آن‌ها را از همدیگر جدا می‌کند، به قسمی که شبان میش‌ها را از هم جدا می‌کند».

منجی در ادیان غیر الهی

۱. آیین هندو

در آیین هندو نیز به‌مانند آیین‌های الهی، مبحث منجی موعود به چشم می‌خورد. در کتاب ماللهند از کتاب‌های مقدس هندوها آمده است:

«در اواخر دوره چهارم، اهل به فساد کشیده شده و اکثر آن‌ها کافر می‌شوند. آنان معصیت‌های بزرگ را انجام داده و حاکم آن‌ها افراد پست خواهد بود. مردم در آن روز به گرگ‌ها شبیه‌اند که همدیگر را می‌درند و غارت می‌کنند. کاهنان و مردان دین فاسد می‌شوند و حق با دزدان می‌شود و افراد باتقوا و زاهد را تحقیر می‌کنند... در آن زمان، «برهنم کالا» یعنی مردی شجاع و دین‌دار ظهور می‌کند و زمین را با شمشیر برنده‌اش از مفسدین و پلیدی‌ها پاک کرده و افراد طاهر و پاک را حفظ خواهد نمود» (رضوانی، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۶).

در کتاب شکمونی نیز آمده است:

«حکومت و دولت جهانی به دست مردی از ذریه سید خالایق عالمیان، «کشن» بزرگ، ختم خواهد شد. او کسی است که بر کوه‌های شرق و غرب عالم حکومت خواهد کرد... و تمام ادیان الهی یک دین خواهد شد. او که اسمش قائم و عارف بالله است، دین خدا را احیا خواهد نمود» (صادقی تهرانی، ۱۳۹۲، ص. ۲۴۲).

۲. آیین بودا

اندیشه منجی موعود در بودیسم با مفهوم میتریه تبیین می‌گردد. میتریه واژه‌ای است از سنسکریت به‌معنای مهربان. در الاهیات بودایی، او را بودای پنجم و آخرین بودا از بوداهای زمینی می‌دانند که هنوز نیامده است؛ اما خواهد آمد تا همگان را نجات دهد. او را در نمادنگاری بودایی به هیبت مردی در وضعیت نشسته ولی آماده برخاستن نمایش می‌دهند تا نمادی باشد از آمادگی وی برای قیام. در کتاب مهاوستو از متون فرقه هینه‌یانه (چرخ کوچک) که به تاریخ سریلانکا می‌پردازد، روزشمار حوادث مربوط به قیام میتریه به وضوح گفته شده است (عرب، ۱۳۹۳، ص. ۱۸).

منجی موعود در قرآن (با ذکر نکاتی از آیت‌الله خامنه‌ای)

دین مبین اسلام که به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی شناخته می‌شود، موضوع عقیدتی منجی موعود را به‌صورت بسیار گسترده بحث کرده است. در آیات قرآن کریم و همین‌طور شعبه‌های مختلف دین اسلام، نشانه‌های بسیار روشنی را در این رابطه می‌توان یافت. جناب آقای شاکری در کتاب منجی در ادیان می‌گوید: «از نظر قرآن، آینده بشریت، تاریخ، مبهم و پوچ نیست، بلکه اولاً آینده تاریخ و بشریت روشن و هدفمند است؛ ثانیاً رهبری جهان به دست صالحان است؛ ثالثاً سرانجام جهان از آن صالحان و متقیان است و این طرحی است عقلانی برای رسیدن به نجات» (شاکری زواردهی، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۰).

مذهب تشیع که به‌عنوان یکی از پنج گروه بزرگ عقیدتی جهان اسلام شناخته می‌شود، به‌صورت بسیار ریشه‌ای وارد بحث موعود آخرالزمان یا مهدویت شده است؛ به‌طوری‌که مصادیق آن را می‌توان در فرهنگ آخرالزمانی جامعه شیعه مشاهده نمود. این فرهنگ می‌گوید که منجی موعود قرار نیست نجات‌دهنده یک گروه یا قوم خاص باشد، بلکه آن فرد وعده‌داده‌شده قرار است اوضاع جهان را متحول کند. در فرهنگ تشیع، آماده‌سازی مقدمات ظهور، شرط ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دانسته می‌شود و به همین علت، در طول تاریخ، تلاش شیعه از حفظ جان خود و روایات اهل بیت (علیهم السلام) آغاز گردیده و با تجربه‌های تلخ و شیرین بسیار فراوان، سرانجام به نقطه‌ای رسیده است که در این کره خاکی، تنها حکومت مقتدر شیعه در جهان که با رهبری آیت‌الله خمینی (ره) بنیان نهاده شد و توسط آیت‌الله خامنه‌ای ادامه پیدا کرد را در ایران می‌توان یافت. از آن جایی که موضوع مقاله، منجی موعود در قرآن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد، قصد بر آن است که در این بخش، تعدادی از آیاتی که مستقیم یا غیرمستقیم به مهدویت اشاره دارد را ذکر نموده و در ذیل هر آیه، نکاتی که آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی‌ها یا مکتوبات خودشان دارند، بیان می‌گردد. در بخش بعدی این مقاله، به نقل دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه منجی موعود پرداخته می‌شود.

به‌طور کلی آیات نویدبخش نجات آدمی و مرتبط با مبحث منجی در چند دسته جای می‌گیرد:

الف) آیاتی که حکومت آینده را از آن مستضعفان و مظلومان می‌دانند و آن‌ها را وارث زمین می‌شمرند: مستضعفان در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های فراوان و پیچیدگی‌های ویژه‌ای را پشت سر نهاده‌اند. سردمداران زر، زور و تزویر و مستکبران خودپرست، به شیوه‌های مختلف کوشیده‌اند تا آنان را زیر سلطه خود قرار دهند. قدرت‌طلبان و سودجویان که خوی استکباری در وجودشان ریشه دوانیده است، از هر روشی بهره برده‌اند تا سلطه خود را بر مستضعفان گسترش داده و آنان را از نظر فکری، اقتصادی و فرهنگی در استضعاف نگهدارند. اما پیام‌آوران الهی، رهبران آسمانی، امامان، مصلحان، عالمان نیک‌سیرت و همه فرهیختگان و محرومان و مظلومان تاریخ برای دستیابی به آرمان‌ها و اهداف مقدس و فطرت خداجوی بشری کوشیده و در این راه، رنج‌های بسیاری نیز به جان خریده‌اند. آنان هرگاه که به پیروزی دست یافتند، زمینه‌های بندگی مردم



را در برابر خدا فراهم آوردند و خود، پیشاپیش آنان در برابر خدا به خاک افتادند و هرگز در صدد هماوردی با آفریدگار جهان و زیر پا نهادن قوانین و فرمان‌های او برنیامدند؛ زیرا شکست و پیروزی برای آن‌ها معنای دیگری داشت (آل اسحاق، ۱۳۹۴، ص. ۴).

در کتاب الهی قرآن، آیاتی آمده است که نوید وارث شدن مستضعفان در روی کره زمین را می‌دهد؛ که در ادامه برخی از آنان را متذکر می‌شویم:

۱. وَ أَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يَسْتَضَعِفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا الَّتِي بَاذَنَّا فِيهَا وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (اعراف: ۱۳۷)

و مشرق‌ها و مغرب‌های پربرکت زمین را به آن قوم تضعیف‌شده (زیر زنجیر ظلم و ستم) واگذار کردیم و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، به خاطر صبر و استقامتی که نشان دادند، تحقق یافت و آنچه فرعونیان (از کاخ‌های مجلل) می‌ساختند و آنچه از باغات داربست‌دار فراهم ساخته بودند، درهم کوبیدیم!

۲. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَ اتَّقَوْا مَنْ بَعْدَ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (شعراء: ۲۲۷)

مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند و یاد خدا بسیار می‌کنند و به هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند، به دفاع از خویشتن (و مؤمنان) برمی‌خیزند و بزودی آن‌ها که ستم کردند، می‌دانند که بازگشتشان به کجاست.

(ب) آیاتی که مواردی از پیروزی پیامبران را ذکر می‌کنند:

- آیات متعددی در رابطه با پیروزی پیامبران آمده است که به نقل دو آیه بسنده می‌کنیم:
۱. وَ اذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِبَصَرِهِ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (انفال: ۲۶)؛ و به یاد آورید هنگامی را که شما در زمین، گروهی اندک و مستضعف بودید. می‌ترسیدید مردم شما را برابند، پس [خدا] به شما پناه داد و شما را به یاری خود نیرومند گردانید و از چیزهای پاک به شما روزی داد، باشد که سپاسگزاری کنید.

آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری در ذیل سخنرانی‌شان، با اشاره به این آیه بیان کردند: [از واقعیت‌های موجود در جامعه ایران: کجا بودیم ما، به کجا رسیدیم؛ و اذکروا اذ انتم قلیل مستضعفون؛ یادمان نرود آن روزی را که ما مستضعف بودیم، کم بودیم، زبردست بودیم، هم ملت ایران این جور بود، هم جامعه متدین این جور بود، هم روحانیون این جور بودند، هم جوانان علاقه‌مند این جور بودند، کم و مستضعف و زبردست بودند؛ امروز بحمدالله خدای متعال دست آن‌ها را قوی کرده است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵).

۲. بَرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ يُأْيُ اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه: ۳۲-۳۳)؛ می‌خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی‌گذارد، تا نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید * او کسی

است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

یکی از آیاتی که به صورت مکرر در دیدارها و سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر ایران، مورد استناد قرار گرفته است، این آیه می‌باشد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۰۱/۱۴، ۱۳۹۷/۰۹/۰۴، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶ و ۱۳۸۷/۱۲/۲۵). در آخرین سخنرانی‌ای که ایشان از این آیه استفاده کردند، به این مهم تذکر دادند که پیروزی جبهه حق بر باطل به شرط مبارزه محقق می‌شود:

در این مصافی که وجود دارد، این مصاف حق و باطل، مصاف توحید و طاغوت - که ناگزیر چنین مصافی وجود دارد - آنکه خدای متعال مقدر کرده است که پیروز بشود، جبهه حق است؛ یعنی شما ملت ایران، اگر همان جور که تا حالا حرکت کرده‌اید، حرکت را ادامه بدهید، قطعاً بر دشمنانتان پیروز خواهید شد؛ یعنی بر آمریکا پیروز [خواهید شد]: وَ تُرِيدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجَعَلَهُم الْوَارِثِينَ. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ خدای متعال این جور مقدر فرموده، [اما] من و شما می‌توانیم این نتیجه را عوض کنیم؛ چه جوری؟ کوتاهی نکنیم، همراهی نکنیم، در حرکتی که انجام می‌دهیم صداقت به خرج ندهیم، از خودمان مایه نگذاریم، مجاهدت و تلاش فی سبیل‌الله نکنیم. بله، اگر این کارها را نکنیم، این جبهه که به اصطلاح جبهه حق است، پیروز نخواهد شد؛ اما ملت ایران نشان دادند که این جوری نیستند؛ و هر چه می‌گذرد، این معنا واضح‌تر می‌شود. جوان‌های امروز ما از ماها که یک دوره‌ای دوره جوانی‌مان را در خدمت این مبارزه و مانند این‌ها گذرانیم، انگیزه‌شان بیشتر، معرفتشان بیشتر، آمادگی‌شان بیشتر است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۰۱/۱۴).

(ج) آیاتی که بر پیروزی نهایی حق بر باطل دلالت می‌کند:

۱. وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (اسراء: ۸۱)؛ و بگو حق فرارسید و باطل مضمحل و نابود شد و همانا باطل نابودشدنی است.

آیت‌الله خامنه‌ای در پیام به گردهمایی فرماندهان پایگاه‌ها و نواحی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سراسر کشور در سال ۶۸ با استناد به این آیه به سنت الهی پیروزی حق علیه باطل اشاره کرده و فرمودند: «سنت مسلم الهی آن است که در چنین میدانی - در میدانی که ملتی مؤمن و انقلابی و برحق و هوشیار و بالاراده، در آن با دشمنانی مادی و زورگو و نابحق و شیطان‌صفت مبارزه می‌کند - پیروزی از آن جبهه حق است که از کمک خدا و اراده راسخ و روح فداکاری برخوردار است؛ و این همان چیزی است که ما در طول سال‌های قبل و بعد از انقلاب تا امروز تجربه کرده‌ایم؛ و همان چیزی است که در سراسر تاریخ نبوت‌ها تحقق یافته و قرآن بارها از آن خبر داده است» (پیام مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۰۹/۰۲).



۲. وَ لَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ * ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (یونس: ۱۳-۱۴)؛ ما امت‌های پیش از شما را به هنگامی که ظلم کردند، هلاک کردیم، درحالی که پیامبران‌شان با دلایل روشن به سراغ آن‌ها آمدند، ولی آن‌ها ایمان نیاوردند؛ این گونه گروه مجرمان را جزا می‌دهیم. سپس شما را جانشینان آن‌ها در روی زمین پس از آنان قرار دادیم تا بنگریم شما چگونه عمل می‌کنید.

(د) آیاتی که بر پیروزی متقین، حزب‌الله و عباد صالح دلالت دارد:

۱. الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أُقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوَا الزَّكَاةَ وَ آمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج: ۴۱)؛ یاران خدا کسانی هستند که هر گاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و پایان همه کارها از آن خدا است.

۲. وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور: ۵۵)؛ خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آن‌ها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد، همان گونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آن‌ها پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و خوف و ترس آن‌ها را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را برای من شریک نخواهند ساخت؛ و کسانی که بعد از آن کافر شوند، فاسق‌اند.

از جمله موضوعاتی که آیت‌الله خامنه‌ای که از این آیه به‌عنوان مؤید سخنان خودشان استفاده کردند، می‌توان به بحث «خلیفه خدا شدن هر ملتی در صورت وجود توأمان ایمان و عمل صالح» اشاره نمود:

[آیاتی درباره وعده‌های الهی:] وعده الهی دیگر این است: «وعد الله الذين امنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم». این هم یک وعده قطعی است. هر قومی، هر ملتی و هر جمعیتی که ایمان و عمل صالح داشته باشد، خلیفه خدا در زمین خواهد شد؛ یعنی قدرت را در زمین در دست خواهد گرفت. بربرگرد ندارد. آن‌هایی که ایمان داشتند، اگر عمل صالح را با آن همراه کردند، همین اتفاق افتاد؛ کما اینکه در ایران اسلامی اتفاق افتاد؛ کما اینکه در هر دوره‌ای از دوره‌های تاریخ خود ما که چنین چیزی پیش آمد، اتفاق افتاد: «ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم و ليتمكن لهم دينهم الذي ارتضى لهم». اگر ایمان باشد، ولی عمل صالح نباشد، خلیفه خدا در زمین نخواهد شد. ایمان خشک و خالی و ایمان بی‌عمل، نتیجه‌ای ندارد؛ اما اگر ایمان با عمل همراه باشد، حتماً محقق خواهد شد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۱۰/۰۴).

(ه) آیاتی که دلالت بر آن دارند که انسان عبث و بیهوده آفریده نشده است:

۱. وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات: ۵۶)؛ من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این طریق تکامل یابند و به من نزدیک شوند).

۲. وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِينَ * مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّا أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (دخان: ۳۸-۳۹)؛ ما آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان این دو است، بی‌هدف نیافریدیم. ما آن دو را فقط به حق آفریدیم، ولی اکثر آن‌ها نمی‌دانند.

در یکی از دیدارهای آیت‌الله خامنه‌ای با مسئولان دستگاه قضایی، ذیل سخنانی در زمینه «احقاق حق، وظیفه قوه قضاییه» فرمودند:

در آیات کریمه قرآن و روایات مکرر آمده است که قوه قضاییه، برای احقاق حق است: «وَ إِنْ حَكَمَ بِالْحَقِّ»، «رَجُلٌ قَضَى بِالْحَقِّ». مسئله «حق» در قضایای مربوط به قضا و قضاوت، دائماً تکرار می‌شود. خوب؛ حق چیست؟ حق در بینش و جهان‌بینی اسلامی عبارت است از قرار حقیقی عالم هستی: «ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ». و در آیه شریفه دیگر -آن‌طور که در ذهنم هست-: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ». و باز در دو آیه دیگر: «خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ» و «ما خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ» که یکی در سوره «عنکبوت» و دیگری در سوره «روم» است. آیه شریفه «وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِينَ» هم هست که متعاقب آن در آیه بعد می‌فرماید: «ما خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ». خوب؛ حق یعنی چه؟ یعنی آن قرار حقیقی عالم وجود. همان که خدا آن‌چنان آفریده است که باید باشد. همان که محصول حکمت الهی است و باید چنان باشد و چنان سیر کند که مطابق واقع و حکمت الهی باشد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۰۴/۰۷).

منجی موعود در قرآن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای همراه با نقد و بررسی آن

دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با منجی موعود از دو منظر حائز اهمیت می‌باشد:

۱. هدف تشکیل این حکومت، زمینه‌سازی و مقدمه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) بوده است. حرکت ابتدایی حضرت آیت‌الله خمینی (ره) تشکیل حکومتی اسلامی بود که پس از ۱۵ سال تلاش بی‌وقفه و ریخته شدن خون‌های فراوان، سرانجام به نتیجه رسید. ادامه این نهضت از ۱۵ خرداد ۱۳۶۸ تا به این لحظه، توسط آیت‌الله خامنه‌ای مدیریت می‌گردد و ایشان در موارد پرشماری، هدف این انقلاب را زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) بیان کرده‌اند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۰/۰۹).

۲. راهبری مملکت ایران توسط ایشان، برگرفته‌شده از تفکرات ایشان در زمینه جهان‌شمولی دینی و منجی آخرالزمان می‌باشد. هر شخصی در این کره خاکی با توجه به عقاید، تفکرات و هدفی که دارد، برای آینده خود و برای هدف خود تلاش می‌کند؛ چه می‌خواهد آن هدف الهی باشد و چه نباشد. دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای



به‌عنوان یک رهبر دینی، تأثیرات قابل تأملی در عرصه جامعه ایران و بین‌الملل خواهد گذاشت؛ زیرا ایشان در دنیا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین عالمان تراز اول مذهب تشیع به شمار می‌رود و سخنان و فعالیت‌های ایشان در دیدرس دوربین‌های جهان قرار دارد. لذا بیانات و فعالیت‌های او در حوزه منجی آخرالزمان مسلماً اثراتی شگرف را در پی خواهد داشت.

حال با در نظر داشتن این دو نکته، به سراغ بررسی دیدگاه‌های ایشان در بخش سخنرانی‌ها می‌رویم (البته با تحقیقاتی که نگارنده در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای انجام داده است، این مطلب هویدا گردید که در موضوع منجی آخرالزمان، ایشان در برخی سخنرانی‌ها به آیات و روایات استناد کردند و در برخی از سخنرانی‌ها تنها به روایات تکیه کرده‌اند. لذا در این بخش، با لحاظ موضوع مقاله، بررسی دیدگاه‌های ایشان در دو قسمت آیات و روایات انجام می‌پذیرد):

الف) سخنرانی‌هایی که در آن از آیات استفاده شده است:

۱. نقض استبعاد عمر طولانی امام زمان (عج) با نص صریح قرآن

منجی آخرالزمان مورد اتفاق همه ادیان ابراهیمی است؛ اینکه کسی خواهد آمد و جهان را از منجلا بظلم و جور نجات خواهد داد، در میان ادیان ابراهیمی مورد قبول همگان است. در اسلام، نام این منجی هم مشخص شده است؛ این موجود الهی را، این انسان بزرگ فوق‌العاده را در همه مذاهب اسلامی به نام مهدی می‌شناسند. شاید در بین فرق اسلامی هیچ فرقه‌ای را نتوان سراغ داد که معتقد نباشد که مهدی (ع) ظهور خواهد کرد و او از ذریه پیغمبر است؛ حتی نام و کنیه آن حضرت را هم مشخص می‌کنند. خصوصیتی که در اعتقاد شیعه وجود دارد، این است که این شخصیت را به‌صورت مشخص و معین معرفی می‌کند؛ او را فرزند امام یازدهم از ائمه اهل بیت - حضرت امام حسن عسکری (ع) - می‌داند؛ تاریخ ولادت او به‌طور مشخص از نظر مورخان شیعه و متکلمان شیعه روشن و واضح است؛ دیگر فرق اسلامی، غالباً این نظر را متذکر نشده یا نپذیرفته‌اند ولی شیعه با ادله مسلم و قطعی، حضور و وجود و ولادت آن بزرگوار را اثبات می‌کند. بعضی استبعاد کرده‌اند که چگونه ممکن است انسانی متولد بشود و در این زمان طولانی زنده بماند. این تنها استبعادی است که در مورد قضیه حضرت مهدی، مخالفان مطرح کرده‌اند و تکرار کرده‌اند؛ لکن قرآن کریم با نص صریح خود، این استبعاد را برطرف می‌کند. درباره حضرت نوح پیغمبر (ع) می‌فرماید: فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا (عنکبوت: ۱۴)؛ یعنی نوح در میان قوم خود ۹۵۰ سال زندگی کرده است. نه اینکه عمر او این مقدار بود، ظاهر مطلب این است که دوران دعوت آن بزرگوار ۹۵۰ سال است؛ بنابراین، این استبعاد جایی ندارد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴/۰۳/۱۳۹۴).

۲. بقای دنیا و روزی یافتن بندگان به برکت امام زمان (عج)

بزرگ‌ترین خاصیت این اعتقاد [مهدویت] در میان شیعیان، امیدآفرینی است. جامعه تشیع فقط به برجستگی‌های تاریخ خود در گذشته متکی نیست، چشم به آینده دارد. یک نفر معتقد به مسئله مهدویت طبق

اعتقاد تشیع، در سخت‌ترین شرایط، دل [را] خالی از امید نمی‌داند و شعله‌امید همواره وجود دارد؛ می‌داند که این دوران تاریکی، این دوران ظلم، این دوران تسلط ناحق و باطل قطعاً سپری خواهد شد؛ این یکی از مهم‌ترین آثار و دستاوردهای این اعتقاد است. البته اعتقاد تشیع نسبت به مسئله مهدویت به همین جا محدود نمی‌شود؛ *بِیْمِنِهِ رِزْقُ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تَبَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ*؛ مسئله اعتقاد به مهدویت یک چنین اعتقادی است. این شعله فروزان، این فروغ تابان، در جوامع شیعی در طول قرن‌های گذشته وجود داشته است و همچنان وجود خواهد داشت و ان‌شاءالله دوران انتظار منتظران سر خواهد آمد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴/۰۳/۱۳۹۴).

۳. لازمه انتظار، آماده‌سازی خود است

...مسئله انتظار هم که جزء لاینفک مسئله مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است؛ انتظار؛ انتظار یعنی ترقب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است. انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است؛ به‌خصوص انتظار یک موجود حی و حاضر؛ این خیلی مسئله مهمی است. این جور نیست که بگویند کسی متولد خواهد شد، کسی به وجود خواهد آمد؛ نه، کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بین مردم است. در روایت دارد که مردم او را می‌بینند، همچنانی که او مردم را می‌بیند، منتها نمی‌شناسند. در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت یوسف که برادران او را می‌دیدند، بین آن‌ها بود، در کنار آن‌ها بود، روی فرش آن‌ها راه می‌رفت، ولی نمی‌شناختند. یک چنین حقیقت بارز، واضح و برانگیزاننده‌ای؛ این کمک می‌کند به معنای انتظار. این انتظار را بشریت نیاز دارد، امت اسلامی به طریق اولی نیاز دارد. این انتظار، تکلیف بر دوش انسان می‌گذارد. وقتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده‌ای هست؛ همچنانی که در آیات قرآن هست: «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» (انبیاء: ۱۰۶-۱۰۵) - مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، می‌فهمند - باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصد باشند. انتظار لازمه‌اش آماده‌سازی خود هست. بدانیم که یک حادثه بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید. هیچ‌وقت نمی‌شود گفت که حالا سال‌ها یا مدت‌ها مانده است که این اتفاق بیفتد، هیچ‌وقت هم نمی‌شود گفت که این حادثه نزدیک است و در همین نزدیکی اتفاق خواهد افتاد. همیشه باید مترصد بود، همیشه باید منتظر بود. انتظار ایجاب می‌کند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خلق و آن شکل و آن هیئت متوقع است. این لازمه انتظار است. وقتی بناست در آن دوران منتظر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا باشد - یک چنین دورانی قرار است باشد - ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده عدل کنیم، آماده پذیرش حق کنیم. انتظار یک چنین حالتی را به وجود می‌آورد... (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۸/۰۴/۱۳۹۰).



۴. انتظار یعنی عدم یأس ملتها نسبت به گشایش در کارها

...انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده‌ای است. یک انتظار، انتظار فرجِ نهایی است؛ یعنی اینکه بشریت اگر می‌بیند که طواغیت عالم ترک‌تازی می‌کنند و چپاولگری می‌کنند و افسارگسیخته به حق انسان‌ها تعدی می‌کنند، نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصور کند که بالاخره چاره‌ای نیست و بایستی به همین وضعیت تن داد؛ نه، بداند که این وضعیت یک وضعیت گذراست «للباطل جولة» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۵۴۴) و آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل؛ و او خواهد آمد. انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستم‌ها و آزارهاست، یک مصداق از انتظار فرج است، لیکن انتظار فرج مصداق‌های دیگر هم دارد. وقتی به ما می‌گویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل‌گشوده شدن است. فرج، یعنی این: فرج، یعنی گشایش. مسلمان با درس انتظار، فرج می‌آموزد و تعلیم می‌گیرد که هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست‌روی‌دست بگذارد و بنشیند و بگوید دیگر کاری نمی‌شود کرد؛ نه، وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است. این، درس امید به همه انسان‌هاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه انسان‌هاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند؛ معلوم می‌شود انتظار، یک عمل است، بی‌عملی نیست. نباید اشتباه کرد، خیال کرد که انتظار یعنی اینکه دست‌روی‌دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود. انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه زمینه‌ها. این، در واقع تفسیر این آیات کریمه قرآنی است که: «وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵) یا «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸). یعنی هیچ‌وقت ملتها و امت‌ها نباید از گشایش مأیوس شوند... (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۹/۰۶/۱۳۸۴).

۵. آمادگی ذهن بشر برای یقین به آمدن منجی

...امروز، هم بشریت بیش از بسیاری از دوران‌های تاریخ، دچار ظلم و جور است، هم پیشرفتی که امروز بشریت کرده است، معرفت پیشرفته‌تر است. ما به زمان ظهور امام زمان ارواحنا فدا، این محبوب حقیقی انسان‌ها نزدیک شده‌ایم؛ زیرا معرفت‌ها پیشرفت کرده است. امروز ذهنیت بشر، آماده آن است که بفهمد، بداند و یقین کند که انسان والایی خواهد آمد و بشریت را از زیر بارهای ظلم و ستم نجات خواهد داد؛ همان چیزی که همه پیغمبران برای آن تلاش کرده‌اند، همان چیزی که پیغمبر اسلام در آیه قرآن، وعده آن را به مردم داده است: «و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم» (اعراف: ۱۵۷). دست قدرت الهی به وسیله یک انسان عرشی، یک انسان خدایی، یک انسان متصل به عالم‌های غیبی، معنوی و عوالمی که برای انسان‌های

کوته‌نگری مثل ما قابل درک و تشخیص نیست، می‌تواند این آرزو را برای بشریت برآورده کند. لذا دل‌ها، شوق‌ها و عشق‌ها به سمت آن نقطه، متوجه و روزبه‌روز متوجه‌تر است. ملت ایران، امروز این امتیاز بزرگ را دارد که فضای کشور، فضای امام زمان است. نه فقط شیعه در همه عالم، بلکه همه مسلمان‌ها در انتظار مهدی موعودند... (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۰۹/۰۳).

الف) سخنرانی‌هایی که در آن از روایات استفاده شده است:

۱. عدالت اجتماعی؛ شرط تحقق جامعه اسلامی

در محیط سیاست داخلی، یکی از آن چیزهایی که لازم است، عدالت اجتماعی است. بدون عدالت اجتماعی، بدون تأمین عدالت در جامعه، جامعه، اسلامی نخواهد بود. اگر کسی تصور بکند که ممکن است ما تحقق دین الهی - هر دین واقعی، نه فقط اسلام - را در جایی داشته باشیم که در آن، عدل اجتماعی - به معنای صحیح و وسیع این کلمه - تحقق پیدا نکرده باشد، باید بداند که اشتباه می‌کند. هدف پیغمبران اقامه قسط است، لَيْقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید: ۲۵)؛ اصلاً پیغمبران آمدند تا اقامه قسط کنند. البته اقامه قسط، یک منزل است در راه؛ هدف نهایی نیست؛ لکن آن‌ها که آمدند، کار اولشان این بود: اقامه قسط و مردم را از شر ظلم و جور طاغیان و ظالمان نجات دادن. هدف حکومت ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) در آخرالزمان هم، باز همین عدل است. شما این روایات مربوط به امام زمان و دعاها و زیارت‌های مربوط به امام زمان را که می‌خوانید، نگاه کنید و ببینید روی چه چیزی تکیه می‌شود؛ و أَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا (دعای استغاثه به امام زمان عج). این «بعد» در دعاها، در یکی دو جا بیشتر نیست. بنده یک وقتی در نماز جمعه گفتم من جایی پیدا نکردم که «تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا» باشد (صدوق، ۱۳۹۵، ج. ۱، ص. ۲۵۸)؛ گفتم در تمام روایات و ادعیه و زیارات «کَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا» است، جز دو جا: یکی از آن دو جا زیارت غیرمعتبری است، یکی هم که نسبتاً زیارت خوبی است - سند درستی ندارد - «سَلَامٌ لِلَّهِ الْكَامِلِ التَّامِ» (دعای استغاثه به امام زمان عج) [است که] آنجا هم «بعد ما ملئت ظلما و جورا» است؛ در همه این روایات و دعاها، مسئله آمدن امام زمان معلل به این شده که این بزرگوار بیاید و در دنیا قسط و عدل بیاورد. اصلاً مشکل دنیا این است که قسط نیست، عدل نیست؛ مشکل دنیا [این است]؛ که روزبه‌روز هم این مشکل دارد زیادتر می‌شود؛ همین الان ما داریم می‌بینیم این مشکل رو به افزایش است. همین الان تحولاتی در اوضاع جهان هست که البته نمی‌دانیم چه خواهد شد. هنوز تکلیف دنیا و قطب‌بندی‌های آن معلوم نیست. این شرق و غربی که با همدیگر موازنه داشتند و رقابت داشتند و مسابقه داشتند، این شکست؛ این دیگر نیست که «شرق»ی باشد در مقابل «غرب»ی؛ وقتی شرق نیست، غرب هم دیگر به آن معنا نیست. الان هیچ معلوم نیست دنیا دست کیست. البته آمریکایی‌ها رو به تقویت هرچه بیشتر خودشان هستند، اروپا هم دارد برای خودش یک فکری می‌کند؛ اگرچه امروز فکر کردن برای اروپا سخت‌تر از پارسال است. پارسال مثل همین روزها، اروپا در فکر اروپای متحد ۱۹۹۲ بود؛ [اما] امروز دیگر این حرف خیلی معنا ندارد. تمام این تحولات



عظیم؛ در کمتر از یک سال - هفت هشت ماه - اتفاق افتاده است. یک مقدار از قوام آن اروپای متحد به وجود آن چنان بلوک شرقی و آن چنان آمریکایی بود. امروز دیگر آن هم نیست و دنیا یک دنیایی است که هنوز از لحاظ مرجع سیاسی و قطب‌بندی سیاسی وضع روشنی ندارد؛ لکن در بین همه این جنجال‌ها، ما شعله‌های ظلم و جور و نظام ظالمانه و نظام استکبار را داریم مشاهده می‌کنیم که روز به روز دارد مشتعل‌تر می‌شود؛ همین «کما ملئت ظلماً و جوراً»؛ الان دنیا از ظلم و جور پر شده، واقعاً ملت‌ها پناهی ندارند. ما اگر خودمان را در سایه اسلام حفظ کنیم، می‌توانیم پناه ملت‌ها باشیم. بنابراین، عدالت اجتماعی هدف بزرگ پیغمبران و هدف قیام ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) است. این از لحاظ عملی، اولین ارزش در نظام ما باید باشد که در تمام برنامه‌ریزی‌ها و عمل‌ها و امثال این، مورد توجه باشد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۱/۰۹).

۲. تلاش برای عدالت و مبارزه با ظلم، خصوصیت اسلام ناب

اسلام ناب، آن اسلامی است که ابوجهل‌ها باید از آن بترسند؛ اگر اسلامی بود که ابوجهل‌ها از آن ترسیدند، ابوسفیان‌ها از آن ترسیدند و با آن دشمن نبودند، در اسلام بودن آن باید شک کنید؛ اسلام نیست. آن اسلامی هم که طبقات مستضعف و محروم به آن امیدوار نشوند و دل ندهند، اسلام نیست. اسلامی که نتواند آرزوهای خفته فروکشته قشرهای مظلوم را در سطح دنیا - نه فقط در سطح کشور خودمان - زنده کند و احیا کند، شک کنید در اینکه این، اسلام باشد. همه بشریت متدین، منتظر مصلح است؛ و همه مسلمین، منتظر مهدی موعودند؛ و خصوصیت مهدی موعود (عجل‌الله‌تعالی فرجه و ارواحنا فداه) در نظر مسلمانان این است که «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهٖ الْاَرْضَ قِسْطًا وَّ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَّ جَوْرًا». عدل و داد، استقرار عدالت در جامعه، از بین بردن ظلم از سطح زمین، خصوصیت مهدی موعود است. اسلامی که در آن، تلاش برای عدالت و مبارزه با ظلم نباشد، چطور می‌تواند اسلام باشد و چطور می‌تواند چیزی باشد که بشریت به سمت آن باید حرکت کند؟ بشر به سمت چیزی حرکت می‌کند که مظهر آن، وجود مقدس مهدی (علیه‌الصلاة والسلام) و عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) است؛ و آن، چیزی است که در این کلمات متواتر وارد شده: پر کردن دنیا از عدل و داد، و ظلم را ریشه‌کن کردن (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰).

۳. قانع نشدن به وضع موجود، یک بعد از معنای انتظار

اینکه در روایات ما وارد شده است که افضل اعمال امت، انتظار فرج است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج. ۵۰، ص. ۳۱۷)، یعنی چه؟ مگر انتظار چیست؟ انتظار ظهور حضرت ولی‌الله‌الاعظم (ارواحنا فداه)، مگر چه مضمون و چه معنایی در بطن خود دارد که این قدر دارای فضیلت است؟ یک معنای انحرافی در باب انتظار بود که خوشبختانه امروز از آن فهم و برداشت غلط، اثر چندانی نیست. کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که انتظار، یعنی اینکه شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید، تا صاحب عصر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفسد را برطرف نماید! انقلاب، این منطق و معنای غلط و برداشت باطل را، یا کم‌رنگ کرد و یا از بین برد. پس بحمدالله این معنا،

امروز در ذهن جامعه ما نیست. اما معنای صحیح انتظار، دارای ابعادی است که توجه به این ابعاد، برای کسی که می‌داند در فرهنگ اسلام و شیعه، چه قدر به انتظار اهمیت داده شده، بسیار جالب است. یک بعد، این است که انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است. «انتظار داریم»، یعنی هرچه خیر و عمل خوب انجام دادیم و به وجود آمده، کم و غیرکافی است و منتظریم، تا ظرفیت نیکی عالم پر بشود. یک بعد دیگر از ابعاد انتظار، دلگرمی مؤمنین نسبت به آینده است. انتظار مؤمن، یعنی اینکه تفکر الهی - این اندیشه روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است - یک روز سراسر زندگی بشر را فرا خواهد گرفت. یک بعد انتظار این است که منتظر، با شوق و امید حرکت بکند. انتظار، یعنی امید. انتظار، ابعاد گوناگون دیگری هم دارد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹).

۴. امام زمان (عج) مصداق وعده الهی

درباره برکات این میلاد معظم و حقایقی که در باب وجود اقدس ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) هست، من قادر نیستم سخن تازه‌ای بگویم. درک مراتب معنوی و حقایق الهی در باب این قطب اعظم عالم امکان و خلیفه خدا و مظهر صفات و اسمای الهی، در حد زبان و بیان و قلب و فهمی همچون من قاصر نیست. خود آن‌ها باید درباره امام زمان سخن بگویند؛ همچنان که خود آن‌ها باید درباره علی بن ابی طالب (علیه الصلاة والسلام) و بقیه اولیا و اصفیای دین سخن بگویند. ما همین قدر می‌دانیم که وجود مقدس امام زمان، مصداق وعده الهی است. همین قدر می‌دانیم که این بازمانده خاندان وحی و رسالت، علم سرافراز خدا در زمین است. «السلام علیک ایها العلم المنصوب و العلم المصبوب و الغوث و الزحمة الواسعة وعدا غیر مکذوب» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج. ۲، ص. ۴۲۹). او وعده الهی و مصداق لطف خدا بر انسانیت و بشریت است. او مستوره و نمونه‌ای از اولیا و اصفیا و انبیا و برجسته‌ترین بندگان خداست. او نمایشگر مبلغ فضل الهی بر بنی آدم است. این‌ها چیزهایی است که خود آنان بیان فرمودند. اگر ما بتوانیم در حد فهم قاصر و ناقص خودمان، رشحاتی از این گفته‌ها را درک کنیم و بفهمیم، خیلی برد کرده‌ایم (طبرسی، ۱۴۰۳، ج. ۲، ص. ۴۲۹).

۵. قبل از ظهور امام زمان (عج) هنگامه امتحان، و بعد از ظهور هنگامه آرامش

شما جوانان عزیز که در آغاز زندگی و تلاش خود هستید، باید سعی کنید تا زمینه را برای آن چنان دورانی آماده کنید؛ دورانی که در آن، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد؛ دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعال‌تر و خلاق‌تر و آفریننده‌تر است؛ دورانی که ملت‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند؛ دست‌های جنگ‌افروز عالم - همان‌هایی که جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی را در گذشته به راه انداختند و می‌اندازند - دیگر نمی‌توانند جنگی به راه بیندازند؛ در مقیاس عالم، صلح و امنیت کامل هست؛ باید برای آن دوران تلاش کرد. قبل از دوران مهدی موعود، آسایش و راحت‌طلبی و عافیت نیست. در روایات، «والله لتمحصن» و «والله لتغریبن» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص. ۲۰۵) است؛ به شدت امتحان می‌شوید؛ فشار داده می‌شوید. امتحان در کجا و چه زمانی است؟ آن وقتی که میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود، در میدان‌های مجاهدت، انسان‌های



پاک امتحان می‌شوند؛ در کوره‌های آزمایش وارد می‌شوند و سربلند بیرون می‌آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود (ارواح‌نفاذ) روز به روز نزدیک‌تر می‌شود؛ این، آن امید بزرگ است؛ لذا روز نیمه شعبان، روز عید بزرگ است (بیانات مقام معظم رهبری، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰).

۶. وجود مقدس حضرت حجت (ارواح‌نفاذ)، منبع همه خیرات

در میان انسان‌های پاک و انسان‌های والا که دارای روح عرشی و خدایی هستند، وجود مقدس خاتم‌الانبیاء محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سرآمد همه و خاندان پاک و اهل بیت مطهر او - که قرآن، ناطق به این طهارت و پاکیزگی و آراستگی است - در شمار برترین و بالاترین انسان‌های پاک و مطهر و نورانی در همه تاریخ‌اند. زنی مثل فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) در همه تاریخ، کیست؟! انسانی مثل علی مرتضی در سرتاسر تاریخ بشریت، کجا نشان داده می‌شود؟! سلسله اهل بیت نبی اکرم در طول تاریخ خورشیدهای فروزانی بوده‌اند که در معنا توانسته‌اند بشریت روی زمین را با عالم غیب و با عرش الهی، متصل کنند: «السبب المتصل بین الارض و السماء» (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ص. ۲۹۵). خاندان پیغمبر، معدن علم، معدن اخلاق نیکو، معدن ایثار و فداکاری، معدن صدق و صفا و راستی، منبع همه نیکی‌ها و زیبایی‌ها و درخشندگی‌های وجود آدمی در هر عصر و عهدی بوده‌اند؛ هر یک چنین خورشید فروزانی بوده‌اند. جوانان عزیز؛ بسیجیان! یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به اراده الهی، امروز در زمان ما به‌عنوان بقیة‌الله فی ارضه (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ص. ۳۳۱)، به‌عنوان حجة‌الله علی عباد (همان)، به‌عنوان صاحب زمان و ولی مطلق الهی در روی زمین وجود دارد. برکات وجود او و انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر می‌رسد. امروز هم انسانیت با همه ضعف‌ها، گمراهی‌ها و گرفتاری‌هایش از انوار تابناک این خورشید معنوی و الهی که بازمانده اهل بیت است، استفاده می‌کند. امروز وجود مقدس حضرت حجت (ارواح‌نفاذ) در میان انسان‌های روی زمین، منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همه خیرات است. چشم‌های ناقابل و تیره ما آن چهره ملکوتی را از نزدیک نمی‌بیند؛ اما او مثل خورشیدی درخشان است، با دل‌ها مرتبط و با روح‌ها و باطن‌ها متصل است و برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند ولی خدا، امام برحق، عبد صالح، بنده برگزیده در میان همه بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار اوست؛ او را می‌بیند و با او مرتبط است. آرزوی همه بشر، وجود چنین عنصر والایی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۰۳/۰۹/۱۳۷۸).

۷. امام زمان (ع) استمرار حرکت دعوت‌های الهی

وجود مقدس حضرت بقیة‌الله (ارواح‌نفاذ) استمرار حرکت نبوت‌ها و دعوت‌های الهی است از اول تاریخ تا امروز؛ یعنی همان‌طور که در دعای ندبه می‌خوانید، از «فیعض اسکنته جنتک» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج. ۹۹، ص. ۱۰۴) - که حضرت آدم است - تا «الی ان انتهی الامر» - که رسیدن به خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هست - و بعد مسئله وصایت و اهل بیت آن بزرگوار، تا می‌رسد به امام زمان، همه، یک سلسله متصل و مرتبط

به هم در تاریخ بشر است. این، بدین معناست که آن حرکت عظیم نبوت‌ها، آن دعوت الهی به وسیله پیامبران، در هیچ نقطه‌ای متوقف نشده است. بشر به پیامبر و به دعوت الهی و به داعیان الهی احتیاج داشته است و این احتیاج تا امروز باقی است و هر چه زمان گذشته، بشر به تعالیم انبیا نزدیک‌تر شده است. امروز جامعه بشری با پیشرفت فکر و مدنیت و معرفت، بسیاری از تعالیم انبیا را - که ده‌ها قرن پیش از این، برای بشر قابل درک نبود - درک کرده است. همین مسئله عدالت، مسئله آزادی، مسئله کرامت انسان - این حرف‌هایی که امروز در دنیا رایج است - حرف‌های انبیاست. آن روز عامه مردم و افکار عمومی مردم این مفاهیم را درک نمی‌کردند. پی‌درپی آمدن پیغمبران و انتشار دعوت پیغمبران، این افکار را در ذهن مردم، در فطرت مردم، در دل مردم، نسل به نسل نهادینه کرده است. آن داعیان الهی، امروز سلسله‌شان قطع نشده است و وجود مقدس بقیة‌الله‌الاعظم (ارواح‌نفاذ) ادامه سلسله داعیان الهی است، که در زیارت آل یاسین می‌خوانید: «السلام علیک یا داعی‌الله و ربانی آیاته» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج. ۵۳، ص. ۱۷۱). یعنی شما امروز همان دعوت ابراهیم، همان دعوت موسی، همان دعوت عیسی، همان دعوت همه پیغمبران و مصلحان الهی و دعوت پیامبر خاتم را در وجود حضرت بقیة‌الله مجسم می‌بینید. این بزرگوار، وارث همه آنهاست و دعوت و پرچم همه آنها را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیا در طول زمان آورده‌اند و به بشر عرضه کرده‌اند، فرا می‌خواند. این، نکته مهمی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۹/۰۶/۱۳۸۴).

نتیجه‌گیری

با بررسی تفکرات و دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه منجی موعود در قرآن، به نتایج زیر دست می‌یابیم: بحث منجی موعود پیشینه‌ای به بلندای تاریخ بشریت دارد و ادیان الهی و غیر الهی، به آمدن منجی جهان بشریت وعده داده‌اند. با وجود آنکه اصل آمدن منجی موعود در ادیان با هم مشترک است، اما در مصداق آن مخالفت‌هایی وجود دارد. هدف منجی موعود که همان مهدی صاحب‌الزمان (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) می‌باشد، به حد کمال رساندن عدالت در عرصه جهانی است. تمرکز اصلی در این نظام، اجرای عدالت اجتماعی برای تحقق جامعه اسلامی می‌باشد. دوره قبل از ظهور منجی موعود، دوره امتحانات سخت و ابتلاهای شدید است اما به همان اندازه که مردم در این امتحانات صبوری نشان داده و تاب‌آوری کنند، ظهور منجی موعود جلوتر خواهد افتاد. از جمله مواردی که برای ایمان به ظهور منجی باید همراه یک جامعه باشد، آماده‌سازی تک‌تک اشخاص و جامعه منتظر در ابعاد شخصی و اجتماعی می‌باشد. ناامیدی و یأس از ظهور منجی، تبعات سنگینی برای افراد آن جامعه دارد؛ پذیرش ظلم، عدم امید به تغییرات در آینده و عدم تلاش برای مبارزه با ظلم و اجرای عدالت، از جمله تبعات ناامیدی از ظهور منجی می‌باشد. از جمله اثرات باور به ظهور منجی، این است که شیعیان و منجی‌باوران، حتی در سخت‌ترین شرایط زندگی، دست از تلاش برنداشته و برای ظهور او مقدمه‌سازی می‌کنند. آیت‌الله خامنه‌ای یکی از شرایط مقدمه‌سازی برای ظهور را آمادگی ذهن بشریت نسبت به آشنایی با حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) می‌داند.



منابع

قرآن کریم.

تورات.

انجیل.

آل اسحاق، یحیی، کامکار، مهدی، و رحمدل، ناصر. (۱۳۹۴). مستضعفان از منظر آیت‌الله خامنه‌ای: دکترین، اهداف و سیاست‌ها. مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، (۲۰).

آمدی، عبد الواحد بن محمد تمیمی. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالکتاب الإسلامی.

ابن‌ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). الغیبة. تهران: نشر صدوق.

ابن‌بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمة. تهران: اسلامیه.

ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۹ق). إقبال الأعمال. تهران: دارالکتب الإسلامیة.

ابن‌منظور، جمال‌الدین محمد. (۲۰۰۰). لسان العرب. بیروت: دارصادر.

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۶۸، ۹ بهمن). بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران. بازیابی شده از

[/https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۶۸، ۱۰ اسفند). بیانات در دیدار جمعی از پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کمیته انقلاب

اسلامی. بازیابی شده از [/https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۸، ۳ آذر). بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان. بازیابی شده از [/https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۷، ۲۵ اسفند). بیانات در دیدار مسئولان نظام. بازیابی شده از [/https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۰، ۱۸ تیر). بیانات در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت. بازیابی شده از

[/https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲، ۱۵ اسفند). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری. بازیابی شده از

[/https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۴، ۱۴ خرداد). بیانات در مراسم بیست‌وششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله).

بازیابی شده از [/https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۵، ۶ خرداد). بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری. بازیابی شده از

[/https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۷، ۴ آذر). بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی. بازیابی شده از

[/https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸، ۱۴ فروردین). بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی. بازیابی شده از

[/https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)

خامنه‌ای، سید علی. (بی‌تا). وبگاه رسمی. بازیابی شده از [/https://www.farsi.khamenei.ir](https://www.farsi.khamenei.ir)



- رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۶). موعودشناسی و پاسخ به شبهات. قم: مسجد جمکران.
- شاکری زواردهی، روح‌الله. (۱۳۹۱). منجی در ادیان. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۹۲). بشارات عهدین. قم: شکرانه.
- عرب، مهین. (۱۳۹۳). منجی موعود در ادیان پیش از اسلام. (۱۱). بهار و تابستان.
- لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: دارالحدیث.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی أهل اللجاج. مشهد: نشر مرتضی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). العین. قم: مؤسسة دارالهجرة.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.